

ادله فقهی حکم لقاح مصنوعی

جمیله سادات پرپینچی^۱

چکیده

در این مقاله به بررسی فقهی و توضیح تلقیح مصنوعی خارج از رحم با اسپرم شوهر و اجنبی، از منظر روایات، فتاوی و ادله علماء، به روش کتابخانه ای پرداخته شده است. عمل مزبور به روش‌ها و مراتب مختلفی انجام می‌شود، ادله آیات و روایات دلالت دارند که عمل لقاح به بارورسازی شیء ماده، توسط شیء نر می‌گویند چه بین انسان و چه غیر آن. آیات و روایات بر عدم جواز تلقیح بین انسان‌ها به صورت مطلق می‌پردازد و اطلاق دارند که این عمل جز در موردی که برای مرد حلال است، جائز نیست و آن دو مورد قرار گرفتن اسپرم مرد در رحم همسر و کنیزش است. قرار گرفتن اسپرم مرد در رحم زن اجنبی، حرام می‌باشد، لکن بعض از علماء فتوایشان برخلاف این مورد است. از ادله‌ای که بر این حرمت اطلاق دارد، اطلاقات آیات و روایات در زمان حوادث مستحدثه می‌باشد و ادله عقلی دیگر نیز طبق بیان بعض بزرگان دلالت دارد که از آن ادله از بین بردن قبح آن موضوع است که دو نطفه بدون ارتباط با هم مخلوط شوند، در مورد رحم اجاره‌ای که اسپرم زن و شوهر بارور شده و سپس به رحم زنی اجنبی وارد می‌شود این مسئله جاری نیست و این مورد را جائز دانسته‌اند.

کلمات کلیدی: تلقیح مصنوعی، لقاح، رحم اجاره‌ای، بارورسازی، نطفه، مسائل مستحدثه

۱. طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه کوثر، amirnoori.۶۶۹۳@gmail.com

مقدمه

بر اساس گزارش جدید سازمان جهانی بهداشت (WHO) حدود ۱۷.۵ درصد از جمعیت بزرگسال، تقریباً یک نفر از هر ۶ نفر در سراسر جهان، ناباروری را تجربه می‌کند. بعد از پیمایش ملی که در سال ۹۸ در کل کشور انجام شد، مشخص شد که شیوع ناباروری کلی در زوج‌های ایرانی ۲۰.۳ درصد است یعنی حدود ۳ میلیون و ۲۶۰ هزار زوج نابارور در کشور وجود دارد که این آمار، بالاتر از میانگین جهانی است.^۱

شیوع ناباروری در ایران، نسبتاً از کشورهای دیگر بیشتر است و در جهان آمار قابل توجهی محتاج این عمل هستند. از آنجایی که مسئله تلقیح مصنوعی از مسائل مستحدثه زمان می‌باشد، روش به دست آوردن حکم آن و چگونگی اشاره آیات و روایات و ادله علماء برای اجتهاد در آن، بسیار حائز اهمیت است.

بر خلاف غرب از هر عمل جدیدی بی قید و شرط استقبال می‌کنند و تقاضا دارند، شیعیان تقاضاهایشان بر طبق موازین شرع و عقل می‌باشد و تمام مسائل مستحدثه را جامه عمل نمی‌پوشانند و به قرآن و روایات ارائه می‌دهند و حکم تکلیفی عمل خود را از شارع مقدس دریافت نمایند.

جامعه بشری دائماً در حال تغییر و تحول است و روز به روز نیز مسائل جدیدی (مستحدثه) به وجود می‌آید که نیاز به بررسی و پژوهش دارد، فقه امامیه با برخورداری از اصل (اجتهاد) توانایی رویارویی با مسائل نو پیدا و ارائه بهترین راه‌حل‌ها را داراست.

امروزه با پیشرفت دانش و تکنولوژی تا حد بسیاری، مسئله ناباروری به شیوه لقاح مصنوعی برطرف گردیده است.

^۱<https://www.tasnimnews.com/>

بحثی که در مقاله پیش و رو بررسی شده، موضوع تلقیح مصنوعی می‌باشد که یکی از مسائل مستحدثه می‌باشد، اینکه تلقیح مصنوعی به چه معناست در لغت و اصطلاح و چگونگی بیان آیات و روایات در مورد تلقیح و آیا این دلائل دلالتی بر این موضوع دارد یا خیر؟ تلقیح نطفه مردی به همسرش بلاشک به اتفاق علماء جائز است، بحثی که باقی می‌ماند نفوذ نطفه مردی در غیر مکان شرعی خود، یعنی رحم زن اجنبیه است که آیات و اطلاق روایات دال بر اصاله حرمت در این عمل‌اند، اما آیا دلیل خاصی مثل روایت وجود دارد که حاج کننده موردی از موارد باشد؟ آیا اگر ضرورتی اتفاق بیفتد مجوز موضوع می‌شود که مثلاً چون ضرورت دارد ما از موضوع چشم پوشی کنیم؟ ادله دال بر جواز در صورت رحم اجاره‌ای و عدم جواز به صورت، بارورسازی مستقیم نطفه در رحم اجنبیه است که با اختلافاتی همراه است که این اختلافات ناشی از دلائل متفاوت بوده که افرادی که تخصصی در این موضوع نمی‌یابند.

بررسی لقاح از منظر اهل لغت

کلمه لقح از ماده (ل ق ح) است. لقاح بر وزن فعال (به کسر فاء) مصدر ثلاثی مجرد است. در کتاب شریف «العین» درباره کلمه لقح آمده: یعنی لَقَحَتْهُ مِنَ الْفَحْلِ أَيْ أَخَذَتْهُ، الْمَلْفَحُ كَاللِّقَاحِ وَ هُمَا مُصْدَرَان.^۱ : یعنی از نریان او را آغشته کردم، یعنی گرفتم، آغشته شده مثل واکسن است.»

و اللَّقْحَةُ، بِكسر اللام: الناقَةُ الَّتِي لَهَا لَبَنٌ وَ الْجَمْعُ لِقَاحٌ وَ لِقَحٌ.^۲

لقح را به معنای اخذ شتر ماده از نر دانسته است و دو مصدر برای لقح بیان کرده و آن دو: لقاح و ملقح می‌باشد.

۱. کتاب العین، ج ۳، ص ۴۷.

۲. جمهرة اللغة، ج ۱، ص ۵۵۹.

و همچنین کلمه لقاح را جمع لقحه دانسته‌اند که به معنای شتر دارای شیر می‌باشد.

در کتاب مفردات الفاظ قرآن آمده است که:

«يَقَالُ: لَقَحَتِ النَّاقَةُ تَلْقَحُ لَقْحًا وَ لَقَاحًا وَ كَذَلِكَ الشَّجَرَةُ وَ أَلْقَحَ الْفَحْلُ النَّاقَةَ وَ الرِّيحُ

السَّحَابُ. قَالَ تَعَالَى، {وَ أَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ}»^۱ «می‌گویند: شتر گرده‌ای را بارور

کرد و درختی را گرده‌افشانی کرد، و همچنین درخت، شتر را بارور کرد و باد

ابرها را. خداوند متعال می‌فرماید: ما باده‌ها را برای بارور ساختن فرستادیم».

أَيُّ: ذَوَاتُ لِقَاحٍ وَ أَلْقَحَ فَلَانُ النَّخْلِ وَ لَقَّحَهَا وَ اسْتَلْقَحَتُ النَّخْلَةَ وَ حَرْبٌ لَأَقِحٌ: تَشْبِيهَا

بِالنَّاقَةِ اللَّاقِحِ.^۲ «یعنی: گرده زن و فلان درخت خرما را گرده افشانی کرد و گرده افشانی

کرد و من گرده افشانی کردم و جنگ گرده افشانی: قیاس به شتر گرده افشان.»

أَلْقَحَ فَلَانُ النَّخْلَ وَ لَقَّحَهَا- درخت خرما را بارور ساخت (با گردافشانی با آنها)- اسْتَلْقَحَتُ النَّخْلَةَ-

نخل بارور شد- حَرْبٌ لَأَقِحٌ- یعنی (جنگی که آبستن حوادث و مرگ‌ها یا پیروزی‌هاست) که

تشبیهی است به همان معنی- لَقَّحَ- شتر ماده‌ای است که شیر زیادی دارد. جمعش- لِقَاحٌ وَ لُقَّحٌ-

است اَمَّا مَلَأَقِيحٌ شْتَرَانُ ماده‌ای است که به نوزادی آبستن هستند که از فروش چنین شترانی نهی

شده است پس ملاقیح همان نوزادان در رحم است اما مضامین نطفه‌های شتران نر است در

اصلاب و پشت آن‌ها لِقَاحٌ- با فتحه حرف اول به معنی نطفه است و همچنین- لِقَاح- قبیله یا

قومی است که به هیچ امیری یا حاکمی و سلطانی تسلیم نیستند گوئی که می‌خواهند و در

آیات بعد از ظن و گمان و غیبت گفتگو می‌کند.^۳

۱. الحجر: ۲۲.

۲. مفردات ألفاظ القرآن، ص ۷۴۴.

۳. مفردات الفاظ قرآن، ج ۴، ص ۱۴۸.

در کتاب فرهنگ ابجدی آمده است که: لَقَحٌ - تَلْقِيحاً [لقح] النخلة: نخل را پیوند زد، ه: واکسن
ضد بیماری به او زد.^۱

الَلَوَاقِحُ - [لقح]: زنان باردار و آبستن، مِنَ الرِّيحِ: بادهای حامل شب‌نم است که در ابرها ذوب و در
نتیجه باران می‌شوند.

پس از بیان این تعاریف لغوی برای کلمه لقح، آنچه که مشخص می‌شود این است که لقح به
ارتباط بین دو شیء که نر و مادگی دارند و یکی فاعل و دیگری قابل می‌باشد گفته می‌شود، چه
بین نباتات و چه بین حیوانات و چه بین انسان‌ها.

پس به رابطه جنسی بین انسان‌ها که با انتقال اسپرم از مرد به زن می‌تواند همراه باشد لقاح
می‌گویند و مورد بحث ما نیز همین مورد می‌باشد.

اما اینکه بحث ما در رابطه با لقاح مصنوعی است، حاکی از این است که ما مورد خاصی از
انواع لقاح را مدنظر داریم که به روش مصنوعی و ساختگی و غیرطبیعی می‌باشد و در حقیقت
لقاح طبیعی بین دو انسان، همان لقاح و رابطه جنسی متعارف بین مردم و متبادر به ذهن
می‌باشد، لکن لقاح مصنوعی، لقاح با استفاده از وسائل و ابزاری صورت می‌گیرد که به تفصیل
خواهد آمد.

تعریف اصطلاحی لقاح مصنوعی

بسیاری از مردم، از نعمت باردار شدن به صورت طبیعی محروم هستند و یا با سادگی
نمی‌توانند باردار شوند و این محرومیت، می‌تواند علل مختلفی داشته باشد از وراثت گرفته تا
اتفاقی که به ژن‌ها و یا آلت تناسلی فرد آسیب برساند چه از طرف مرد و چه از طرف زن و لذا
ناچارند که این انتقال اسپرم از مرد به زن را به نحو دیگری انجام دهند.

۱. فرهنگ ابجدی، ص ۷۶۴.

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيِّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الزُّنَا شَرٌّ أَوْ شُرْبُ الْخَمْرِ وَكَيْفَ صَارَ فِي شُرْبِ الْخَمْرِ ثَمَانُونَ وَفِي الزُّنَا مِائَةٌ؟ فَقَالَ يَا إِسْحَاقُ أَحَدٌ وَاحِدٌ وَلَكِنْ زَيْدٌ هَذَا لِتَضْيِيعِهِ النُّطْفَةَ وَلَوْضَعِهِ إِيَّاهَا فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ الَّذِي أَمَرَهُ اللَّهُ»^۱

مفاد روایت: در این روایت اسحاق بن عمار به امام صادق (ع) عرض می‌کند: زنا بدتر است یا شراب‌خواری؟ و چرا در نوشیدن شراب هشتاد تازیانه ولی در زنا صد تازیانه مقرر گردیده است؟ حضرت در جواب می‌فرمایند: ای اسحاق! حدّ یکی است، لیکن این مقدار زائد بدین سبب افزوده شده که زنا، سبب از بین بردن نطفه و قرار دادن آن در غیر جایگاهی می‌شود که خداوند، بدان دستور داده است.

محلّ شاهد در روایت مذکور این عبارت است «وَلَكِنْ زَيْدٌ هَذَا لِتَضْيِيعِهِ النُّطْفَةَ وَلَوْضَعِهِ إِيَّاهَا فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ الَّذِي أَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ». این تعلیل قاعده کلی را بیان می‌کند و به مقتضای این تعلیل قرار دادن نطفه در غیر موضعی که امر شده «غیر ما امر الله به» امری نامشروع، تضییع نطفه و مستحقّ حدّ شرعی مقرر گردیده است و یکی از اظهر مصادیق آن این است که نطفه در غیر زوجه و ملک الیمین قرار داده شود شاهد این روایت، آیات متعدّد دیگری است که جواز قرار دادن نطفه را محصور در همسر و ملک الیمین قرار داده است از جمله:

الف) {نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ} ^۲

ب) {وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ} ^۳

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۵۳.

۲. بقره: ۲۲۳.

۳. بقره: ۲۲۲.

این دسته از آیات کبرای مسأله را بیان می‌کند «فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ» چنان‌که روایت مذکور صغرای مسأله را بیان می‌کند که قرار دادن نطفه در غیر ما امر الله تضييع نطفه و خلاف شرع مقدس است.

بنا بر نظر استاد مصطفی اشرفی که در درس خارج بیان فرموده‌اند، به سه راه می‌توان انتقال نطفه اجنبی بر اجنبیه را حرام دانست:

الف) اطلاق آیات شریفه قرآن دال بر وجوب حفظ فروج از غیر می‌باشد مانند آیه شریفه: {يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ} که امر بر حفظ فروج می‌نماید و همان‌طور که گفته شد اصل وجوب حفظ می‌باشد الا ما خرج بالدلیل.

ب) وجوب إجتنب از فاحشه {لَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ} و فاحشه را معنی کردیم به هر عملی که نزد عرف و عقلاء ناپسند است.

ج) روایاتی که مفادش این است که قرار دادن منی مرد در غیر زوجه و ملک الیمین یعنی در رحم زن اجنبیه ممنوع است «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ أَقْرَأَ نُطْفَتَهُ فِي رَحِمٍ يَحْرُمُ عَلَيْهِ»^۱ که به إطلاق شامل ادخال منی مرد در زن اجنبیه ولو بدون جماع نیز می‌شود.

نکته: در دین مقدس اسلام در موضوعات مشکوک الحرمه اگرچه اصل برائت جاری است لیکن در برخی موارد خاص، اصل اولیه احتیاط بوده و بر آن نیز تأکید شده است مثل موارد نفوس، فروج و اموال، برای این اجرای این اصل برای این موضوع تقریباتی نیز ذکر شده است که از آن‌ها اهتمام و شدت اهمیت موضوع فروج و نسب می‌باشد.^۲

همان‌طور که مشاهده شد ادله‌ای که برای حرمت این مورد بیان شده است که اعم از آیات و روایات می‌باشد، دارای استحکام کافی برای اثبات حرمت است.

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۴۱.

۲. درس خارج استاد مصطفی اشرفی، ۱۳۹۲/۰۲/۲۸.

نتیجه‌گیری

تلقیح در لغت یعنی: ماده، نطفه نر را اخذ می‌نماید. تلقیح مصنوعی در اصطلاح یعنی: تزریق منی درون کانال گردن رحم اطلاق می‌گردد. علت انجام دادن تلقیح مصنوعی، عدم توانایی بارداری از طرف هر یک از زوجین ممکن است باشد. این عدم باروری به سه نحو می‌باشد: اولیه، ثانویه، نسبی.

تلقیح مصنوعی به دو روش همولوگ و هترولوگ انجام می‌گیرد که همولوگ مربوط به زوجین و هترولوگ مربوط به اجنبی می‌باشد.

تکنولوژی لقاح خارجی رحم قابلیت باروری تخمک را توسط اسپرم، مورد ارزیابی قرار می‌دهد که آیا این دو نطفه، در صورت ضعف از باروری، قابلیت اصلاح را دارند یا خیر.

از آیات و روایاتی که دلالت بر حرمت لقاح به صورت مطلق می‌کنند، آیه: {وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ} ^۱ و از جمله روایات، روایت: «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ أَقْرَ نُطْفَتُهُ فِي رَحِمٍ يَحْرُمُ عَلَيْهِ» می‌باشد.

طبق آیات و روایاتی که دال بر این مطلب‌اند، اصل در تلقیح مطلقاً حرام است الا ما خرج منه و از آن چیزهایی که از آن خارج است، همسر و کنیز می‌باشد و برای اینکه فرد دیگری باشد که قرار گرفتن نطفه مرد در رحم آن مجاز باشد، احتیاج به دلیل خارجی داریم.

طبق بررسی فتاوی در مورد تلقیح نطفه مرد بیگانه به زن اجنبی، برخلاف بحث رحم اجاره‌ای اختلاف وجود دارد و امام خامنه‌ای و آیت‌الله بهجت این کار را جائز دانسته‌اند برخلاف آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله مکارم.

فتاوی در این مسئله به چهار قسم تقسیم می‌شود:

- (الف) منع مطلق: این نظریه به آیت‌الله میلانی نسبت داده شد.
- (ب) جواز مطلق: این نظریه از پاسخ استفتائات مقام معظم رهبری برداشت می‌شود.
- (ج) جواز مطلق در زوجین و جواز مشروط در بیگانگان: این نظریه مرحوم آیت‌الله مؤمن است.
- (د) جواز مطلق در زوجین و منع مطلق در غیر زوجین: این نظریه اکثر فقهای معاصر است.
- و سپس روایاتی ذکر شده است که در کنار آیات دلالت بر همین حرمت می‌کند و روش این استدلالات بیان شده است که با بررسی و اندیشه در استدلالات علماء در این پژوهش فرد علاوه بر آگاهی از فتاوی، استدلالات، چگونگی روایات و آیات در این زمینه، قوه اجتهاد خود را پرورش داده و به لطف خدا در پژوهش‌های آینده‌ای که می‌تواند در این زمینه انجام دهد از جهت چگونگی توارث بین این افراد و نسب‌ها و احکام شرعی آن‌ها که آیا جزو ولد الزنا به حساب می‌آیند یا خیر، تحقیق وسیعی نمایند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۷ ق.
۳. اشرفی، مصطفی، درس خارج فقه استاد اشرفی. (۱۳۹۲/۰۲/۲۸)
۴. بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: موسسه آل‌البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ ق.
۶. خامنه‌ای، سید علی، اجوبه الاستفتائات، تهران: فقه روز وابسته به انقلاب اسلامی، ۱۳۹۹ ش.

۷. خویی، ابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم: مدینه العلم، آیت الله خویی، ۱۴۱۰ ق.
۸. سیستانی، سید علی حسینی، رساله توضیح المسائل، قم: قلم آذین رضا، ۱۳۹۱ ش.
۹. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار (لشعیری)، تهران: مطبعه حیدریه، بی تا.
۱۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. محمدعلی، قاسمی، دانشنامه فقه پزشکی، قم: مرکز فقه الائمه الاطهار (ع)، ۱۳۹۵ ش.
۱۴. محمدی ری شهری، محمد، درس خارج فقه استاد ری شهری، قم: دارالحديث، بی تا.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، رسائل توضیح المسائل، پیام عدالت، ۱۳۸۸ ش.
۱۶. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ ق.